

تحلیل نظری غرر آیات در آرای قرآن پژوهان با رویکرد اخلاقی و تربیتی*

رفعت پورشمسی^۱

مهدی مهریزی طرقي (نویسنده مسؤل)^۲

علی راد^۳

سید محمدعلی ایازی^۴

مژگان سرشار^۵

چکیده:

یکی از مسائلی که در طول تاریخ نظر عده‌ای از قرآن پژوهان و مفسران را به خود جلب نموده، بحث در زمینه مفاهیم، مضامین و آیات و سوره‌های بنیادین و کلیدی قرآن کریم است که نقشی اصیل، مرجع و گاه جامع در تفسیر برخی آیات دیگر دارند. این دغدغه در میان آنان منجر شد که هر یک، اصطلاحاتی را برای این مفاهیم و آیات و سوره‌ها برگزینند. این تحقیق با روش تحلیلی، به کتاب‌ها و آثار قرآن پژوهان از قرن پنجم هجری تا دوره معاصر مراجعه و اصطلاحات متعدد در این زمینه را استخراج و تحلیل نموده و به چستی و مؤلفه‌های عناوین وضع شده توسط آنان پرداخته و به برخی نکات اشتراک و افتراق آنها دست یافته است. بررسی‌ها نشان داد که با شش واژه برای نشان دادن مفاهیم و آیات برگزیده قرآن مواجهه‌ایم که عبارت‌اند از: ۱- محکم، ۲- جواهر، ۳- افضل و فاضل، ۴- کلید، ۵- مضامین اصلی، ۶- غرر آیات. یکی از مؤلفه‌های مشترک همه اصطلاحات شش‌گانه «توحید» است که مهم‌ترین مبنای تربیت اخلاقی قرآن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

آیات غرر/ آیات جواهر/ افضل و فاضل/ کلید و مفتاح/ توحید

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۱۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2021.62606.3417

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

r.poorshams@gmail.com

toosi217@gmail.com

ali.rad@ut.ir

ayazi1333@gmail.com

Sarshar2008@gmail.com

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

۳- دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

۵- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

طرح مسأله

یکی از مباحث قدیمی در میان قرآن‌پژوهان و مفسران، توجه به مفاهیم، مضامین و آیات و سوره‌های بنیادین و کلیدی قرآن کریم است که نقشی اصیل، مرجع و گاه جامع در تفسیر برخی آیات دیگر دارند. این دغدغه در میان آنان منجر شد اصطلاحات و عناوینی را برای این مفاهیم و آیات و سوره‌ها برگزینند که متأثر از عوامل گوناگون تاریخی، اجتماعی و سیاسی عصر و زمان مفسر و قرآن‌پژوه و ویژگی‌های شخصیتی و علمی و سبک تفسیری و پیش‌زمینه‌های فکری و ... آنان بوده است.

منشأ و خواستگاه بحث مفاهیم و آیات اصیل و غرر‌پژوهی خود قرآن کریم است. قرآن کریم در آیه هفتم سوره آل عمران، از آیات محکم تعبیر به «ام‌الکتاب» نموده که مفسران و قرآن‌پژوهان پیرامون این آیه در طول تاریخ، بنا به بضاعت علمی و پیش‌فرض‌های فکری خود، مباحث و نظرات گوناگونی را برداشت نموده‌اند که از جمله آنان، ایده غرر آیات قرآن می‌باشد.

در راستای این مسأله، پژوهشگران قرآنی به این مطلب رسیدند که مفاهیم و آیاتی از قرآن به دلیل دارا بودن ویژگی‌های محتوایی و بیانی، مرجعیت و جامعیت خاصی در تبیین آموزه‌های قرآنی دارند و با توجه به داشتن چنین ویژگی‌هایی، به مرور از شهرت، فراوانی ارجاع و استناد در احادیث و گفته‌های مفسران برخوردار شدند که در طول تاریخ برای معرفی و نامگذاری این آیات و مفاهیم، از اصطلاحات و عناوین مختلفی استفاده شده است.

نام‌گذاری آیات محکم توسط خود قرآن برای این‌گونه آیات، زمینه‌ساز آراء و نام‌گذاری‌های دیگری در میان مفسران گردید و اصطلاحات و عناوین مختلفی نظیر جواهر، افضل و فاضل، و در دوران معاصر نیز تعبیر کلید و مفتاح، مضمون اصلی و بالاخره غرر آیات مطرح شد. هرچند در گذر زمان، بحث آیات و مفاهیم اصلی و کلیدی فرازوفرودهایی داشته و هم از جهت انتخاب مؤلفه و معیار و ملاک و هم از جهت نامگذاری و انتخاب مصداق با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، ولی از نگاه نگارندگان، روح حاکم بر همه آنها واحد بوده و علاوه بر جنبه توحیدی و اصیل بودن همه آنها، اشتراکات دیگری نیز دارند.

ابتدا غزالی در قرن پنجم در کتاب *جواهر القرآن* خود به موضوعاتی پیرامون برتری‌های برخی از سوره و آیات بر برخی دیگر تحت عنوان «آیات جواهر» می‌پردازد و



در این کتاب، علوم را به هشت قسم تقسیم می‌کند که در نتیجه آنها، آیات و سوره‌برجسته قرآن مشخص می‌گردند.

در قرن دهم، سیوطی اصطلاح افضل و فاضل را برای برخی آیات به کار می‌برد. مبحث افضل و فاضل قرآن از جمله موضوعاتی است که سیوطی در کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* خود فصلی جداگانه را به آن اختصاص داده است. همچنین در کتاب *حمائل الزهر فی فضائل السور* به این مطلب می‌پردازد.

اما در دوران معاصر، توشیهیکو ایزوتسو، اسلام‌شناس معروف ژاپنی که با رویکرد زبان‌شناختی به مطالعه قرآن روی آورده، تعبیر «کلید و مفتاح» را مطرح می‌کند. هسته اصلی پژوهش ایزوتسو در تحقیقات قرآن‌پژوهی، بیرون کشیدن نظام جهان‌بینی قرآن از دل آیات باهرات وحی است. از دیدگاه او، همه چیز در قرآن به یک تأویل اخلاقی یا الهی می‌انجامد. از نظرگاه ایزوتسو، جهان قرآن همچون دایره‌ای است با دو نقطه قابل استناد به مبدأ: یکی در بالا؛ یعنی خدای هستی، و دیگری در پایین؛ یعنی انسان.

در قرن بیستم دانشمند پاکستانی، فضل‌الرحمن (۱۹۸۰م)، اصطلاح «مضامین اصلی قرآن» را مطرح می‌کند. او کتابی را با این عنوان به زبان انگلیسی منتشر کرد. در نگاه کلی فضل‌الرحمن به قرآن، می‌توان چند مؤلفه را پررنگ دید: نخست، عنصر اخلاقی-اجتماعی در ارتباط با وظایف اخلاقی انسان برای اصلاح وضع اجتماعی و غلبه آن در تفسیر قرآن. به‌زعم فضل‌الرحمن، یکی از مضامین مهم قرآنی همین وظیفه اخلاقی-اجتماعی است. در ایران در دوره معاصر از میان قرآن‌پژوهان، افرادی همچون علامه طباطبایی، امام خمینی، صادقی تهرانی و جوادی آملی، هر یک در کتب تفسیری خود آیات برجسته قرآن را جدا کرده و از آنها با نام «آیات غرر» قرآن یاد کرده‌اند.

در تحلیل هریک از این اصطلاحات با توجه به مؤلفه‌های مورد نظر وضع‌کنندگان آنها، به نقاط اشتراک و افتراقی دست می‌یابیم که همان‌طور که بیان شد، به عوامل مختلفی مرتبط می‌باشد. یکی از مؤلفه‌های مشترک همه اصطلاحات شش‌گانه توحید است که مهم‌ترین مبنای تربیت اخلاقی قرآن می‌باشد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه آیات و مفاهیم برگزیده و غرر را از جنبه‌ای آیات اخلاقی دانست؛ زیرا آیات غرر، آیات توحیدی قرآن کریم هستند و توحید مهم‌ترین مبنای تربیت اخلاقی قرآن می‌باشد. ولی در عین حال، به لحاظ وجود جامعیت در آیات غرر، می‌توان آن آیات را بیانگر جنبه‌های دیگر معارف نیز دانست و از بعد معارف دیگر به آنها پرداخت. همچنین آیات مخصوصی در



زمینه اخلاق وجود دارند که از برجستگی و کارآمدی ویژه‌ای برخوردارند که از آنها می‌توان به آیات غرر اخلاقی یاد کرد و معرفی و شناخت آنها می‌تواند راهگشای تمامی مسائل اخلاقی بشر باشد.

اهمیت استفاده از آیات غرر آن است که بسیاری از مفاهیم و معارف قرآنی را که در باب اخلاق در سوره‌های مختلف به شکل پراکنده آمده است، می‌توان بر پایه آنها تفسیر و تجمیع نمود؛ زیرا آیه غرر نقش یک اصل یا جامع را نسبت به سایر آیات فرعی دارد و به‌عنوان یکی از آیات محوری، در اکتشاف نظریه‌های قرآنی در باب اخلاق نقش آفرین‌اند و با تحلیل نظری و تطبیقی، می‌توان به دیدگاه‌های ثابت و متغیر و در پی آن، به اهم و مهم‌ها در حوزه اخلاق دست یافت. ضرورت بررسی آیات غرر در زمینه اخلاق آن است که بخش اخلاق از مهم‌ترین بخش‌های معارف اسلامی است. امروزه بحث‌های اخلاقی و تربیتی از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه است؛ نیل به سعادت حقیقی بدون داشتن اخلاقی الهی و زندگی سالم جهت رشد و تکامل روح انسان امکان‌پذیر نیست. آنچه امروز به آن احتیاج داریم، دانستن اهمیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی در این راستاست.

بحث در زمینه اصطلاح غرر آیات در دوره معاصر توسط برخی از مفسران و قرآن‌پژوهان مطرح شده است. با این حال کتاب‌های زیادی در این زمینه وجود ندارد. همچنین با محوریت مسائل این پژوهش، مقاله یا کتاب نشر یافته به زبان فارسی یا عربی یافت نشد، اما در شمار معدودی از پژوهش‌های مرتبط می‌توان آثاری مانند «غرر قرآن از نظریه تا تفسیر» از علی راد را نام برد که به این موضوع پرداخته است. ایشان در ابتدا به نظریه غرر قرآن و چیستی، زمینه‌ها و رهیافت‌های آن می‌پردازد و سپس به اکتشاف آیات غرر از طریق سه روش (نقلی، تراثی و اجتهادی) اشاره نموده و غرر قرآنی را به پنج دسته غرر سوره‌ای، مکی یا مدنی، غرر موضوعی، معارفی و دانشی تقسیم می‌کنند. سید محمدعلی ایازی نیز در جلد اول کتاب «تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی» به موضوع غرر آیات از دیدگاه امام خمینی پرداخته است. زهره رنجبر پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی آیات غرر از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» و وحیده جباروند بهروز پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی غرر آیات از دیدگاه آیت الله جوادی آملی را نگاشته‌اند.

مقالاتی مانند «سیره تفسیری مرحوم علامه طباطبایی» توسط جوادی آملی به چاپ رسیده که در آن، به بهره‌وری علامه از آیات غرر به‌عنوان یک قاعده در گستراندن معارف قرآن و نشان دادن دقایق و حیانی، ابتکار و وجه تمایز تفسیر المیزان بر سایر تفاسیر اشاره شده است. «غرر الآیات در تفسیر المیزان با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات»، اثر کاووس روحی به چاپ رسیده که با روش شناسی تفسیر المیزان، به استفاده علامه از آیات غرر اشاره شده است. اساساً مسائل این مقاله با مسائل نوشتارهای یادشده متفاوت و کاملاً متمایز از آنهاست.

پژوهش حاضر با روش تحلیلی انجام شده و در این پژوهش، به کتاب‌ها و آثار قرآن‌پژوهانی نظیر غزالی، سیوطی، امام خمینی، علامه طباطبایی، صادقی تهرانی، جوادی آملی، ایزوتسو، فضل‌الرحمن و علی راد از قرن چهارم هجری تا دوره معاصر مراجعه شده و نظرات و دیدگاه‌های آنها در رابطه با برتری برخی آیات بر آیات دیگر و آیات برگزیده، طرح و نامگذاری اصطلاحات متعدد در این زمینه استخراج و تحلیل شده است. در این تحقیق به‌منظور دستیابی به نظرات قرآن‌پژوهان مذکور، به بررسی آثار مهم آنان در زمینه افضلیت آیات و سوره‌ها پرداخته شده و به چستی، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و نقاط اشتراک و افتراق میان اصطلاحات وضع‌شده توسط آنان به روش تحلیلی-کتابخانه‌ای پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

با بررسی تاریخی سیر تطور واژه غرر و مفاهیم و آیات و سوره‌های برگزیده و اصیل قرآن، با شش واژه و اصطلاح برای نشان دادن آنها مواجه هستیم که عبارت‌اند از: ۱- محکم، ۲- جواهر، ۳- افضل و فاضل، ۴- کلید و مفتاح، ۵- مضامین اصلی، ۶- غرر آیات. در این پژوهش به تحلیل این شش واژه پرداخته تا به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هر اصطلاح پی برده و نقاط اشتراک و افتراق آنها استخراج شود. و نیز به اهم و مهم‌های اخلاقی دست یابیم.

۱. آیات محکم

خداوند در آیه ۷ سوره آل عمران از آیات محکم تعبیر به ام‌الکتاب نموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ». در این نوشتار



آیات محکم از حیث ام‌الکتاب بودن و نقش محوری و کلیدی آنها و ارتباط آن با غرر آیات مورد توجه قرار گرفته و بحث در رابطه با نقش و جایگاه محکّمات در قرآن به مثابه ام‌الکتاب است. در تقسیمی کلی، از ام‌الکتاب بودن محکّمات، سه تفسیر ارائه شده است: مرجع بودن، اصل بودن و جامع بودن. (اسعدی، ۱۳۸۸: ۱۶-۲۹) هر یک از این تفاسیر از یک سو به شواهد لغوی و از سوی دیگر به مستندات قرآنی و روایی خاص متکی است و رابطه مستقیمی با رویکرد مفسران در تعاریف محکم و متشابه دارد که به طور اختصار به توضیح آنها می‌پردازیم.

نخست: مرجعیت محکّمات: لغویان در ترجمه واژه «أم» به معنای مرجع اشاره دارند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱/۲) در برخی روایات نیز از مرجعیت محکّمات نسبت به متشابهات یاد شده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱/۲۹۰) مرجعیت محکّمات نسبت به متشابهات دیدگاه مشهوری است، اما از این مفهوم دو معنا برداشته شده است. معنای نخست که از آن به «مرجعیت نسبی» یاد می‌کنیم، ناظر به آن است که محکّمات نسبت به متشابهات مرجعیت داشته و جهت حل تشابه آنها باید به محکّمات رجوع کرد. به عبارت دیگر، توصیف محکّمات به «أم‌الکتاب» به آن معناست که این آیات در میان آیات قرآن، نقش أمّ و مرجع را ایفا می‌کند و می‌تواند حیرت مفسران را در آیات دیگر بزداید. (اسعدی، ۱۳۸۸: ۱۸)

دومین معنا که از آن به «مرجعیت مطلق» یاد می‌کنیم، از مرجعیت محکّمات به معنای مطلق برای مفسران سخن گفته و آنها را مرجع حل تشابه آیات متشابه نمی‌داند. بر این اساس، ام‌الکتاب بودن محکّمات به معنای آن است که این آیات شامل معارف و احکامی است که قابلیت رجوع و تبعیت مفسران را دارند؛ در مقابل متشابهات که از این قابلیت برخوردار نیستند. (همان، ۱۹)

دوم: اصالت محکّمات: ترجمه «أم» به اصل و منبع، ترجمه‌ای مشهور است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵) «أم‌الکتاب» بودن محکّمات در این تعبیر به این معناست که در میان آیات قرآن، بخشی نقش أمّ و اصل را نسبت به بخش دیگر ایفا می‌کند. البته در این معنا هم رجوع متشابهات به محکّمات مطرح است، اما رجوعی خاص از سنخ رجوع و توجه فروع و شاخه‌ها به اصول و ریشه‌ها، نه از سنخ رجوع مفهوم مجمل و مبهم به مفهوم مبین و مشروح.

سوم: جامعیت محکمات: آن‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، دربردارندگی و جمع و شمول در زمره وجوه معنایی واژه «أم» شمرده شده است. در برخی دیدگاه‌های تفسیری نیز پیرو این معنا، محکمات از آن‌رو به ام‌الکتاب توصیف شده که مرکز تجمع و نقطه ثقل معارف و احکام خاص و مهم و شبهه‌ناپذیر قرآن است. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۷۱/۳) وجه دیگر این معنا نیز آن است که محکمات، جامع احکام و معارف مشترک و مورد وفاق عموم کتاب‌های آسمانی است. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۳۵۳/۱)

به‌نظر می‌رسد وجوه معانی سه‌گانه در نگاهی دقیق با هم ناسازگار دیده نمی‌شوند و می‌توان به وجه مشترک میان آنها دست یافت و مراد، همان محوریت و مرجعیت آیات محکم در قرآن است. غرر قرآنی با محکمات پیوند دارند و به بیان دیگر، به‌طور قطع غرر از شمار محکمات قرآنی هستند، اما همه محکمات غرر محسوب نمی‌شوند، بلکه محکماتی غرر هستند که ویژگی برجسته‌ای به لحاظ محتوایی و اسلوب بیانی داشته باشند. با قید محکمات معلوم می‌شود که آیات متشابه به دلیل چند وجهی بودن در معنارسایی، از شمار غرر قرآن بیرون است.

۲. آیات جواهر

غزالی در قرن پنجم به موضوعاتی پیرامون برتری‌های برخی از سوره‌ها بر برخی دیگر تحت عنوان «آیات جواهر» می‌پردازد. جواهر از نظر لغوی به‌معنای گوهر و هر سنگی که از آن منفعتی به‌دست آید، و جمع جوهر، موجودی که قائم به نفس خود است، و در اصطلاح، آیات گران‌بها تر قرآن را که همچون جواهر و گوهری تابناک در میان دیگر آیات می‌درخشند، آیات جواهر گویند که بر معرفت الله دلالت دارند. (غزالی، ۱۴۰۹: ۲۴) در واقع این آیات، همان آیاتی هستند که خداوند یا متکلم قرآن را معرفی می‌کنند.

نگاه غزالی به قرآن و جواهر دانستن آیات نگاهی عرفانی و صوفیانه است. در بیان او، آیات جواهر شرح معرفت خداوند متعال‌اند که باید آنها را کبریت احمر نامید. این معرفت شامل معرفت ذات حق، صفات و افعال او می‌شود. برترین این سه، معرفت ذات حق است که ویژه‌ترین محصول کبریت احمر است. غزالی در شرح آیات جواهر قائل به این است که مقاصد قرآن شش مورد است. سه مقصد مهم و سه مقصد دیگر متمم آنها. سه مقصد مهم، اول تعریف ذات خداوند متعال و صفات و افعال اوست.



معرفت خداوند متعال و صفات و افعال وی در یک درجه نیست، بلکه متفاوت است. (همان، ۲۲) از نگاه نگارندگان، در اصل غزالی چون معرفت ذات حق یا توحید ذات را از همه چیز برتر و مهم‌تر می‌داند، آیاتی را که در شرح آنها باشد، به‌عنوان جواهر معرفی می‌کند و با توجه به عصر و دوره غزالی که در قرون اولیه بوده، بیشتر از جهت مهم بودن و اهمیت به آیات نگریسته، نه مرجعیت و محوریت و جامعیت آنها. وی اهمیت را در توحیدی بودن می‌داند. همچنین در پی رتبه‌بندی و تشخیص آیات و سوره‌های قرآن کریم است. از نگاه او، آیات در یک درجه و مرتبه یکسان نیستند و برخی از جهت مهم بودن بر دیگر آیات برتری دارند.

۳. افضل و فاضل

سیوطی در قرن دهم اصطلاح افضل و فاضل قرآن را برای شماری از آیات و سوره‌های برگزیده مطرح می‌کند. افضل بر وزن افعال تفضیل به نوعی «برتری» اشاره دارد و در لغت به معنای برترین، بالاترین، بهترین، نیکوترین و شایسته‌ترین است. در اصطلاح علوم قرآنی از آن به برتری دادن بخشی از آیات قرآن بر بخشی دیگر یاد کرده‌اند. از نظر سیوطی، جامع بین فنون برتری و انواع بسیار آن را افضل گویند؛ چون که اصل معنای فضل، زیادی است، و افضل همان افزون است و چون سوره فاتحه متضمن توجه دادن به معانی بسیار و معارف گوناگون است، لذا افضل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۸۸/۲) افضل قرآن تقسیمات جالبی به لحاظ محتوایی و نیز سبکی داشته است.

سیوطی ابتدا در کتاب «*حماائل الزهر فی فضائل السور*» درباره فضایل سوره‌ها به‌صورت عموم و سوره‌ها به‌صورت معین روایات بسیاری را جمع‌آوری نموده (نوشاوند و ایازی، ۱۳۸۷: ۶)، سپس در کتاب *الاتقان فی علوم القرآن*، بخشی را به نام نوع هفتادوسوم: در فاضل و افضل قرآن اختصاص می‌دهد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۸۸/۲) پایه و اساس استدلال سیوطی در موضوعات مختلف بر مبنای نقل و احادیث می‌باشد. وی مانند غزالی، با دید عرفانی و صوفیانه به قرآن و فضیلت آیات می‌نگرد و علوم را به دو دسته قشر و لباب تقسیم می‌کند. (کمپانی زارع، ۱۳۹۸: ۳۳) وی در زمینه تأویل معتقد به مجاز است. به عقیده او، ورود به عالم لباب و مغز باید از پایین‌ترین سطح آغاز گردد تا انسان در حرکتی سعودی به این قله معرفت دست یابد. این عبور از قشر به لباب موازی با فرآیند عروج خیالی قلب از عالم حس و شهادت به عالم غیب و ملکوت صورت می‌گردد. بنابراین او معتقد است که

برتری و افضلیت آیه یا سوره‌ای بر آیه یا سوره دیگر، برتری مجازی بوده و حقیقی نیست. (همان، ۲۵) وی در فصل‌های مختلف *الاتقان* به بسیاری از علوم قرآنی اشاره دارد و قبل از پرداختن به نوع افضل و فاضل، به تقسیم‌بندی و نامگذاری سوره‌های مختلف با عنوان سبع طول، مسبحات و ... می‌پردازد. در نوع هفتاد و دوم ابتدا بحث فضایل قرآن را مطرح نموده و فصل اول آن را به «در آنچه به طور کلی در فضایل قرآن آمده» و در فصل دوم، «آنچه درباره سوره‌های خاصی رسیده» سخن می‌گوید. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۴۷۴) وی در بیان ویژگی آیات افضل فقط به آیاتی اشاره دارد که ریشه حدیثی دارد و احتمالاً اصطلاح افضل و فاضل را از حدیثی که سوره حمد را افضل سوره‌ها می‌داند، گرفته است. او به جنبه‌های مختلف سوره‌ها و ویژگی‌های آنها از ابعاد مختلف لفظی و معنایی پرداخته و اصطلاحات مختلفی را که در احادیث به هر سوره اختصاص داده شده، مورد بررسی قرار می‌دهد و با استناد به سخنان و نظرات دیگر دانشمندان، به معنا و علت و حکمت نامگذاری و بیان این حدیث در باب سوره می‌پردازد. (همان، ۴۷۲)

از نظر نگارندگان، با توجه به فصل‌بندی‌های *الاتقان* و بیان فصلی در رابطه با نام‌گذاری سوره‌ها و فضایل آنها پیش از فصل افضل و فاضل، و بیان احادیث وارد شده در شأن برخی از آیات و سوره‌ها، نظیر سوره حمد، آیه الکرسی، قلب قرآن بودن سوره یس و ...، در نگاه کلی می‌توان گفت سیوطی در جست‌وجوی کشف علت و جنبه‌های افضلیت آیات و سوره‌ها از لابه‌لای احادیث می‌باشد. سیوطی در غالب بیان نقل قول‌های مختلف در رابطه با معنا و مفاهیم و شرح و توضیح احادیث می‌خواهد به این مسأله بپردازد که چه اهمیت و معیار و ملاک و سرنوی در برخی از آیات و سوره‌ها از جنبه ظاهری یا محتوایی و چینش مفاهیم و کلمات این آیات و سوره‌ها وجود دارد که احادیثی در رابطه با فضیلت و افضلیت آنها وارد شده و این افضلیت به چه معناست؛ به معنای فزونی ثواب است، یا جنبه‌های دیگری دارد و چرا این آیات و سوره‌ها با این القاب و نام‌ها معرفی شده‌اند و به جنبه فضیلت خواص آیات و سوره‌ها و جنبه هدایتی آنها توجه نموده است.

سیوطی در قالب نقل قول‌های مختلف، مؤلفه‌ها و معیارهایی برای بیان آیات افضل بیان نموده که با مطالعه موشکافانه، می‌توان برخی از آنها را استخراج نمود. تعدادی از آنها عبارت‌اند از:

۱- مشتمل بودن آیه بر معارف مهم از جمله «توحید».



- ۲- مشتمل بودن آیه بر تعدادی از اسماء خدای تعالی و بیان صفات او.
- ۳- وجود اسم اعظم در آیه.
- ۴- جامعیت آیه در بیان معارف و مقاصد قرآن.
- ۵- علو متن و ایجاز اعجازآمیز و محتوای بلیغ.
- ۶- بیان معارف اساسی مانند معاد و نبوت و استدلال پیرامون معارف حقه.
- ۷- توجه آیه به اصول و کلیات اخلاقی.

سیوطی یکی از دلایل برتری و افضلیت سوره حمد را اشاره آن به علم اخلاق می‌داند؛ «علم آنچه کمال به وسیله آن حاصل می‌گردد، یعنی علم اخلاق، و برجسته‌ترین آن رسیدن به حضرت صمدانیت، و پناه بردن به جناب فردانیت و پیمودن راه او، و پایداری در آن است، و فرموده خداوند: «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» اشاره به همین است.» (همان، ۴۷۶)

۴. کلید و مفتاح

عنوان مفاهیم کلیدی قرآن توسط توشیهیکو ایزوتسو که با رویکرد زبان‌شناختی به مطالعه قرآن روی آورده است، مطرح شد. (پورافخم و ایازی، ۱۳۹۳: ۵-۳۲) وی متأثر از مکتب قوم- زبان‌شناسی یا مکتب بن است که طبق آن، هر زبانی جهان‌بینی ویژه خود را دارد و با برخورداری از پیشینه‌ای علمی در زبان‌شناسی و فلسفه، به بررسی معناشناسانه واژه‌های کلیدی قرآن می‌پردازد و سعی می‌کند با کشف ارتباط معنایی واژگان در یک شبکه معنایی گسترده، به نظام هماهنگ قرآنی دست یابد. (پورافخم و عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) وی در روش خود از معناشناسی هم‌زمانی و درزمانی استفاده می‌کند. از نظر نویسندگان، هرچند ایزوتسو به بررسی معناشناسانه واژه‌های کلیدی قرآن می‌پردازد، ولی آنچه مباحث مطرح‌شده از جانب او را به بحث غرر آیات پیوند می‌دهد، نگاه وی به برخی مفاهیم و آیات قرآن از جهت کلیدی بودن و محوریت آنهاست. همچنین او معتقد است مهندسی معنایی قرآن بر اساس توحید، معاد و حیات طیبه است که می‌توان ادعا نمود با بحث غرر اخلاقی قرآن نیز ارتباط دارد. (ریبعی آستانه، ۱۳۸۳: ۳۳۱)

ایزوتسو معتقد است برخی از کلمات قرآن مانند «الله، اسلام، ایمان، کفر، نبی و رسول»، نقش کلیدی در ساختن جهان‌بینی قرآنی دارند. (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۲) هر یک از این کلمات، میدانی معناشناختی تشکیل می‌دهند که در آن، الگویی معنادار مرتب شده و

دستگاهی از تصویرها و مفاهیم مرتبط نمایش داده می‌شود. «میدان معناشناختی، بدین معنا، دستگاهی در درون دستگاهی دیگر، یعنی یک زیردستگاه یا دستگاه جزء است.» (همان، ۲۳) در هر یک از میدان‌های معناشناختی، کلمه‌ای کانونی وجود دارد که حول آن دو، کلماتی دیگر در دو طیف مثبت و منفی قرار گرفته‌اند. کلمات و نیز دایره‌هایی که ایجاد می‌کنند، در اشتراک با دوایر قرار دارند و «در نتیجه، واژگان به‌عنوان حاصل جمع کلی همه میدان‌های معناشناختی، همچون شبکه‌ای پیچیده و وسیع از ارتباطات چندجانبه میان کلمات به‌نظر می‌رسد که متناظر با یک کل سازماندار فراهم آمده از تصوراتی است که با یکدیگر از هزاران راه ارتباط و وابستگی دارند.» (همان، ۳۶)

ایزوتسو در پی نوعی تفسیر و تبیین معنای واژگان و مفاهیم قرآن است. به‌نظر می‌رسد روش ایزوتسو بر پایه سه اصل اساسی بنا شده است:

نخستین اصل این است که جهان‌بینی و فلسفه وجودی قرآن بر واژگان آن بنا شده است. به عبارت دقیق‌تر، جهان‌بینی قرآن در معانی کلماتی نهفته که برای بیان رسالت خویش به‌کار بسته است.

دومین اصل ریشه‌یابی واژگان و مفاهیم قرآن در فرهنگ جاهلی است. از آنجا که واژگان قرآن در خلأ نازل نشده و متعلق به یک بستر فرهنگی و اجتماعی است، ایزوتسو بسیاری از مفاهیم اصلی و کلیدی قرآن را ادامه همان مفاهیم عربی پیش از نزول قرآن می‌داند.

آخرین اصل ایزوتسو را باید در رابطه خدا و انسان جست‌وجو کرد. ایزوتسو قرآن را یک دستگاه چندلایه می‌داند که بر روی عده‌ای از تقابل‌های تصویری اساسی قرار گرفته که هر یک از آنها، یک میدان معناشناختی خاص را می‌سازد. هر یک از این تقابل‌ها به‌وسیله دو قطب اصلی که رویه‌روی هم قرار گرفته‌اند، به‌وجود می‌آیند. ایزوتسو در عین حال که معتقد است نخستین و مهم‌ترین تقابل از ارتباط میان خدا و انسان حاصل می‌شود، اما با یک طبقه‌بندی وجودشناختی، خط فاصلی میان خدا و انسان رسم می‌کند تا جایگاه خداوند حفظ شود. (همان، ۳۶-۳۸)

ایزوتسو تلاش کرده کلیدواژه‌های اصلی قرآن با محوریت توحید، معاد و حیات طیبه را استخراج کند که البته در کلام خود ایزوتسو به این صراحت مطرح نشده است. و این نگاه برخاسته از سخن او در رابطه با مهندسی معنایی قرآن بر اساس توحید، معاد و حیات طیبه است. (پورافخم و ایازی، ۱۳۹۳: ۱۵)

۵. مضامین اصلی قرآن

برخی از کلمات و آیات قرآنی نقش اصلی و کلیدی در رابطه با هدف هدایتی این کتاب گرانقدر دارند و مانند شاه‌کلید، معارف و غرض اصلی و اساس آیات و سوره‌ها را می‌رسانند. مضامین اصلی قرآن به‌نوعی معرف همان آیات غرر قرآنی می‌باشند.

فضل‌الرحمن هدف خود از تألیف کتاب *مضامین اخلاقی* را تلاشی در جهت جبران کاستی‌های شیوه‌های قرآن‌پژوهی بیان می‌کند. (فضل‌الرحمن، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۷) او متأثر از فضای اسلام‌شناسی معاصر در غرب، روش تفسیری تاریخ‌گرایانه‌ای را معرفی می‌کند که خود او نظریه «دوحرکتی» اش می‌خواند، که مبتنی بر هر دو معیار عینیت است؛ یعنی هم بافت تاریخی وحی و هم توجه به کلیت متن قرآن. حرکت نخست خود شامل دو مرحله است. مرحله اول آن است که مفسر باید شرایط خاص وضع تاریخی وحی را بررسی کند تا مسائلی را که قرآن «پاسخ خدا» به آنها بوده، دریابد، و برای تکمیل این مرحله، وضع کلی آن زمانه را بشناسد. در مرحله دوم از حرکت نخست، مفسر باید این پاسخ‌های خاص را تعمیم دهد تا مقاصد عینی متن را که همان قصد خداست، بفهمد. برای دستیابی به این فهم، مفسر باید قرآن را همچون کلیتی یکپارچه بخواند تا از احکام خاص، که گاه حتی متعارض به‌نظر می‌رسند، نظامی منسجم بسازد. مطالعه متن قرآن به‌مثابه کلیتی یکپارچه، این امکان را فراهم می‌کند که معنای پس‌الفاظ هویدا شوند. (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۸۳) فضل‌الرحمن با رفتاری کردن تاریخی و متنی، آیات قرآن را ادامه می‌دهد. در حرکت دوم، مفسر باید با کنار گذاشتن معنای ظاهری، این اصول عام را - که ذاتاً اخلاقی‌اند نه فقهی - در شرایط جدید به‌کار گیرد. در روش او، رابطه میان این دو حرکت رابطه‌ای دورانی است و چنانچه نتیجه کاربرد قانع‌کننده نباشد، مفسر می‌تواند در نتایج مرحله نخست تجدید نظر کند. در نگاه کلی فضل‌الرحمن به قرآن، می‌توان چند مؤلفه را پررنگ دید. نخست، عنصر اخلاقی-اجتماعی در ارتباط با وظایف اخلاقی انسان برای اصلاح وضع اجتماعی، و غلبه آن در تفسیر قرآن است. به زعم فضل‌الرحمن، یکی از مضامین مهم قرآنی، همین وظیفه اخلاقی-اجتماعی است. (همان، ۱۸۳)

مفاهیم اصلی قرآن از نظر فضل‌الرحمن، خدا، انسان، طبیعت، نبوت و وحی، معاد، خیر و شر و در نهایت زندگی اجتماعی است. (فضل‌الرحمن، ۱۳۹۷: ۲۱-۱۲۶) پس قلمرو آن به‌نوعی به انسان و زندگی اجتماعی او برمی‌گردد و با غرر اخلاقی نیز پیوند دارد. نقطه اتصال مضامین اصلی مطرح‌شده از طرف فضل‌الرحمن با آیات غرر در آن



است که هر دو اصطلاح به اصالت و محوریت و جامعیت برخی موضوعات و آیات و سوره‌های الهی اشاره دارند. هم یک آیه و سوره می‌تواند از جنبه داشتن نقش کلیدی و محوری غرر باشد، و هم برخی مفاهیم و مضامین قرآن از جنبه محوری و اصالت کلیدی بودن غرر قرار بگیرد.

۶. غرر

«غرر» جمع «غره» از ریشه «غرر» است. در کتاب‌های لغت کهن معانی متفاوتی چون درخشندگی، سپیدی، بهترین، ناب‌ترین، برجسته‌ترین و سرآمدی برای این واژه آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۳۴۶/۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۵/۵) با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی غرر و کاربرد آن در بیان مفسران امامیه، آیات غرر را می‌توان چنین تعریف کرد: «عبارت‌های تام قرآنی که در موضوع خود در مجموع محکومات قرآنی از برجستگی خاص بیانی و محتوایی برخوردار بوده و در تبیین موضوع و پاسخگویی به مسائل آن، منحصر به فرد و کارآمد باشند.» (راد، ۱۳۹۵: ۲۳) آیات غرر نسبت به برخی از آیات نقش اصیل، محوری و کلیدی و مرجعیت دارند.

۶-۱. غرر آیات در آرای قرآن‌پژوهان

تعدادی از مفسران و قرآن‌پژوهان در آثارشان آیات اصیل، بنیادین و مرجع قرآنی را با اصطلاح غرر معرفی نموده‌اند.

۶-۱-۱. غرر از دیدگاه علامه طباطبایی

مرحوم طباطبایی از آیات کلیدی قرآن کریم در المیزان به‌عنوان «غرر آیات» یاد کرده است. همان‌طور که شواهد نشان می‌دهد، ایشان اولین کسی است که این اصطلاح را برای برخی از آیات به‌کار برده، ولی هیچ‌گونه تعریفی از این گونه آیات ارائه نکرده است. تنها از برخی اشارات و برآیند آیات منتخب علامه طباطبایی چنین برمی‌آید که جامعیت، ظرافت و دقت در بیان و توحیدی بودن محتوا، از شاخصه‌های آیات منتخب وی به‌عنوان غرر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۶/۱۲، ۳۷۲/۲) ایشان به‌منظور گره‌گشایی و حل مسائل متناقض و متعارض در تفسیر قرآن به قرآن از این آیات بهره برده‌اند.



از نظر ایشان، میزان شناسایی آیات زیربنایی برای همه معارف هفت‌گانه، آیات صریح یا ظاهر معارف توحیدی است؛ زیرا همه مسائل اسلامی که در قرآن مطرح است، اعم از عقاید و اخلاق و احکام، به توحید خدای سبحان برمی‌گردد. (همان، ۱۰/۱) به باور علامه طباطبایی، معارف قرآن چون شبکه‌ای به هم پیوسته‌اند که آیات توحیدی در مرکز آن قرار دارد و در پرتو آنها، آیات دیگر فهمیده می‌شود. پیوندهای معنایی آیات تک‌وجهی نیست، دست‌کم میان برخی آیات پیوندهای چندگانه برقرار است. حاصل هر پیوند، آفرینش معنایی نو و رویش معرفتی تازه است. حتی میان واژگان قرآن نیز پیوندهای ویژه‌ای برقرار است و هر واژه، معنای دقیق خود را در ارتباط با واژگان دیگر باز می‌یابد. بدون توجه به این پیوندها، نمی‌توان به فهم صحیح و دقیقی از قرآن دست یافت. (همان، ۲۹/۱۰) ایشان این آیات محکم توحیدی را که در مرکز شبکه به هم پیوسته معارف قرآنی قرار دارد، غرر می‌نامند. مفسر المیزان در ضمن تفسیر آیات الهی، حدود ۳۰ آیه از آیات قرآن کریم را که از جامعیت بیانی و محتوایی برخوردارند، غرر نامیده است. (رنجبر، ۱۳۸۹: ۳۵) نخستین آیه غرر علامه، آیه ۱۷ سوره رعد و آخرین آن، آیه ۱۹ سوره انفطار است.

از نگاه علامه طباطبایی، قلمرو آیات غرر گستره‌ای به وسعت همه معارف قرآنی دارد. این معارف هفت‌گانه عبارت‌اند از: معارف مربوط به اسما و صفات خدا؛ همچون حیات، علم، قدرت و ... معارف مربوط به افعال خدای متعال؛ همچون خلق، امر، اراده، مشیت، هدایت و ... معارف مربوط به واسطه‌های میان خدا و انسان؛ مانند حجاب‌ها، لوح و قلم، عرش و ... معارف مربوط به انسان پیش از دنیا، معارف مربوط به انسان در دنیا؛ از قبیل شناخت تاریخ نوع انسان، شناخت خود انسان، شناخت اصول اجتماعی انسان، شناخت نبوت، رسالت، وحی، الهام، کتاب، دین و ... معارف مربوط به انسان پس از دنیا؛ یعنی برزخ و معاد، معارف مربوط به اخلاق انسانی.

با مطالعه و بررسی آیات غرر منتخب علامه و با توجه به سبک تفسیری ایشان که قرآن به قرآن است، می‌توان برداشت نمود که طباطبایی در انتخاب آیات غرر، بیشتر به جنبه محوریت و راهگشایی آیات در تفسیر آیات دیگر و داشتن جامعیت در بیان مقاصد قرآن و آیات اصیل که غالباً جنبه توحیدی دارند، نظر دارد. حتی ایشان در تفسیر المیزان، برخی آیات را با الفاظی چون افضل، ابلغ، الطف و ... معرفی می‌نماید، ولی اصطلاح غرر را فقط برای تعدادی از آیات به کار می‌برند. (طباطبایی، ۱۴۱۷:

۴۳۳/۱، ۳۰/۲، ۸۹/۴، ۳۰/۷) این نشان می‌دهد که علامه در انتخاب آیات غرر، مبنای جامعیت و محوریت آیات را مهم می‌شمارد و هر آیه را به‌صرف داشتن یک ویژگی خاص، لایق غرر شمردن نمی‌دانند. هرچند جوادی آملی در توجیه بیان علامه در به‌کار بردن اصطلاحات افضل و ابلیغ و الطف و ... به‌جای غرر، اظهار می‌دارد این فکر و نظریه در مورد وضع اصطلاح غرر در مورد برخی آیات در تفسیر المیزان از نیمه قرآن و از آیه ۱۷ سوره رعد به ذهن علامه خطور کرده است (رنجبر، ۱۳۸۹: ۳۵)، ولی نگارندگان معتقدند علامه برای آیات غرر نوعی شأن و جامعیت و محوریتی را قائل است که هر آیه با داشتن یک ویژگی، به‌تنهایی نمی‌تواند غرر محسوب شود.

۶-۱-۲. غرر از دیدگاه امام خمینی

از آنجا که سید روح الله خمینی مباحث تفسیری را به‌طور عمده به شکل موضوعی ارائه داده و در جمع میان آیات و روایات و با تکیه بر آیه‌ای خاص، هدف خود را دنبال نموده‌اند، می‌توان به این مطلب رسید که ملاک و معیار امام در انتخاب آیات غرر، جنبه کلیدی و راهگشای آیات است و چون گرایش ایشان به تفسیر عرفانی و تربیتی و اخلاقی بوده، در انتخاب موضوعات و آیات غرر، آیاتی را که در این زمینه‌ها نقش محوری و کلیدی دارند، انتخاب نموده است.

آیه نور (نور: ۳۵) از جمله آیات غرر در تفسیر ایشان است؛ نور و تجلی الهی در جهان و نوع نگاهی که به جهان در نظام هستی می‌شود؛ تا جایی که در عالم چیزی جز او نیست. این آیه در بیشتر کتاب‌های وی مورد توجه و تفسیر و استشهاد قرار گرفته و برای فهم موضوعات و آیات دیگر، کمک شایانی است. (ایازی و معرفت، ۱۳۸۸: ۳۱۵)

آیه دیگر که محور برجسته‌ای در اندیشه و ذهنیت امام دارد و بارها در کتاب‌ها، نامه‌ها، یادداشت‌ها و سخنرانی‌ها مورد تأکید قرار گرفته، آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَأَحَدٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» (سبأ: ۴۶) است. این بحث از سوی جنبه عرفانی، و از سوی دیگر جنبه اجتماعی دارد. (همان، ۳۱۶)

۶-۱-۳. آیات غرر از دیدگاه صادقی تهرانی

معیار و مؤلفه‌های انتخاب غرر در تفسیر الفرقان، جامعیت، بلاغت بیانی و ژرفای معارف می‌باشد. ایشان در تفسیر خود چهار آیه را به‌عنوان غرر معرفی می‌کند. در باب جامعیت این دو آیه معرفی شده است. نخست آیه ۱۸ سوره آل عمران که از غرر آیات



و جامع همه مدالیل آیات مرتبط با توحید آفاقی و انفسی قرآن است. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۵: ۳۰۶/۱۰) دیگری آیه ۱۴۱ سوره انعام که این آیه نیز از غرر قرآنی و از آیاتی است که زکات را برای همه میوه‌ها تعمیم می‌دهد. (همان، ۶۲/۵)

در باب بلاغت بیانی آیه غرر اشاره دارد به آیه ۶۱ آل عمران: «این آیه از آیات غرر قرآنی مرتبط با شأن اهل بیت علیهم‌السلام است؛ زیرا از علی علیه‌السلام به «انفسنا» و از فاطمه علیها‌السلام به «نساءنا» و از حسنین علیهم‌السلام به «ابناءنا» تعبیر کرده است.» (همان، ۱۶۸/۵)

در تفسیر آیه ۲۹ سوره شوری نیز می‌گوید: «این آیه میان غرر قرآنی ممتاز است؛ زیرا نشان‌های غیبی را که بشر تاکنون بدان دست نیافته است، در اختیار انسان قرار داده است.» (همان، ۱۹۷/۲۶)

به نظر می‌رسد دامنه انتخاب مصادیق آیات غرر بر اساس مؤلفه‌های مطرح شده ایشان در غرر دانستن آیات بسیار تنگ و محدود بوده و ایشان فقط چهار آیه را به‌عنوان غرر آیات معرفی می‌کنند. این در حالی است که مؤلفه‌های بیان شده توسط ایشان درباره چهار آیه معرفی شده به‌عنوان غرر، با مؤلفه‌های علامه طباطبایی و جوادی آملی مشترک است، ولی در تعیین مصداق بسیار محدودتر است.

۶-۱-۴. غرر آیات از نگاه جوادی آملی

نخستین و تنها مفسری که تا به امروز تعریفی برای آیات غرر بیان نموده، آقای جوادی آملی است. ایشان معتقد است همه آیات قرآن دارای شأن و منزلتی ویژه هستند، ولی بعضی آیات درخشش و برجستگی و نقش کلیدی و زیربنایی خاص دارند که راهگشای فهم بسیاری از آیات و روایات هستند. صاحب تفسیر تسنیم در این زمینه می‌نویسد: «همان طور که بعضی از انبیای الهی بر بعضی دیگر فضیلت دارند، سوره‌های قرآن و آیات نورانی آن نیز متفاوت هستند و بعضی از سوره‌ها و آیات بر بعضی دیگر سیادت و برتری دارند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰۴/۱۲) شماری از این آیات را علامه طباطبایی به وصف غرر آیات توصیف نموده‌اند. غرر آیات، آیات کلیدی قرآن هستند که دارای مضمون رفیع، محتوای بلیغ، نتیجه براهین قاطع یا محور استقرار آنها بوده و علاوه بر درخشش و برجستگی، راهگشای آیات دیگر هستند؛ به‌گونه‌ای که از آنها فروع فراوان اعتقادی، فقهی، حقوقی یا اخلاقی استنباط گردد. همین طور این آیات علاوه بر راهگشایی بسیاری از آیات دیگر، پایه میزان عدل و مصباح روشنی برای

پیچیدگی‌های بسیاری از احادیث هستند. (همان، ۳۲/۱۳) قلمرو و محور غرر آیات به‌صورت اجمالی از نگاه صاحب تفسیر تسنیم شامل موارد زیر است:

۱- محور بیشتر غرر آیات، توحید خداوند است؛ چون توحید زیربنای همه معارف و اعمال شایسته است و همه مسائل قرآن اعم از عقاید، اخلاق، احکام و حقوق به توحید خداوند برمی‌گردد. در این آیات همه اقسام توحید، از جمله توحید نظری شامل: توحید ذاتی، توحید اسماء حسنی و صفات، توحید افعالی (توحید قیومیت، خالقیت، مالکیت، ربوبیت و ولایت) و توحید عملی (توحید عبادی، توحید در حمد و توحید در دعا) اثبات می‌شود و در غرر آیات دیگر، به بیان اهمیت توحید و خطر شرک می‌پردازد و عدم بخشش مشرک را یادآور می‌شود. (جباروند، ۱۳۹۴: ۴۵)

۲- محورهای بعدی که در غرر آیات به آن پرداخته می‌شود، مسائل اصول دین، مانند نبوت، معاد و حسابرسی به اعمال است. در این آیات در مورد ضرورت وحی و نبوت و پاسخ به شبهات وحی و نبوت صحبت می‌شود و عدم کفایت عقل در هدایت انسان بیان شده و معجزه بودن قرآن و نزاهت آن از هر گونه اختلاف اثبات می‌گردد. (همان، ۴۶)

۳- در غرر آیات دیگر نیز در مورد ولایت خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام، ولایت الهی و نحوه قرار گرفتن در ولایت خاص خدا، اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولوا الامر و توسل و شفاعت، مباحث گهرباری مطرح می‌شود. (همان)

۴- در تعداد دیگری از غرر آیات به جایگاه ممتاز انسان و مقام خلیفه‌اللهی انسان و تعلیم اسماء اشاره می‌شود و عوامل رسیدن انسان به حیات متألّهانه و راه‌های رسیدن به کمال انسانی، مانند تقوا، معرفت نفس، قسط و عدل مطرح می‌گردد. همچنین به بیان احکامی از جمله وفای به عهد، ادای امانت و قضاوت عادلانه، طهارت‌های سه‌گانه، تقوای ارحام، هجرت و قانون ارث می‌پردازد و برای کسانی که دچار لغزش شده‌اند، توبه، رحمت خاص خدا و مغفرت او و غفران الهی را تبیین می‌کند و راه مناجات، نیایش، طلب تکفیر گناهان و درخواست عفو و بخشش را می‌آموزد. (همان)

نظر نگارندگان آن است که مؤلفه‌ها و معیارهایی که توسط جوادی آملی مطرح می‌شود، حاصل جمع و جامع همه ملاک‌هایی است که قرآن‌پژوهان از ابتدا تاکنون مطرح نموده‌اند و تکامل یافته آنهاست. همچنین وی در انتخاب مصادیق آیات غرر نیز دامنه وسیع‌تری نسبت به آیات منتخب علامه و امام خمینی و صادقی تهرانی دارد؛



هرچند برخی از آیات منتخب آنها با یکدیگر مشترک است، اما در بسیاری از موارد مصادیق آنها با هم متفاوت‌اند.

یکی از عوامل محرک علامه و جوادی آملی در توجه به بحث غرر آیات، نگاه آنان به تناسب آیات یک سوره و همچنین ارتباط و تناسب سوره‌ها با یکدیگر و غرض کلی قرآن از جهت کتاب هدایت بشر بودن است. در نظر آنان، ارتباط معنایی میان آیات قرآن برقرار است و برخی آیات در این نظام معنایی نقشی محوری و جامع دارند که غرر محسوب می‌شوند. آیات غرر در یک سوره آیاتی هستند که غرض اصلی سوره را بیان می‌کنند و نقش محوریت دارند. این ارتباط نه تنها میان آیات یک سوره برقرار است، بلکه میان سوره‌ها و کل آیات قرآن کریم نیز برقرار است. یکی از تفاوت‌های روش کار طباطبایی با جوادی آملی در انتخاب آیات غرر، آن است که علامه نگاهی کلی‌تر به آیات غرر دارد و در غرر دانستن آیه‌ای، راهگشایی و محوریت آیه را با کل آیات قرآن و سوره‌های دیگر در نظر می‌گیرد، در حالی که جوادی آملی هر دو جنبه را مورد توجه قرار می‌دهد و در انتخاب آیات غرر، هم غرض اصلی همان سوره را در نظر می‌گیرد و آیاتی را که بیان‌کننده هدف اصلی سوره مورد نظر است، به‌عنوان غرر معرفی می‌کند، و هم آیاتی را که نسبت به آیات و سوره‌های دیگر قرآن نقش محوریت و جامعیت دارند، غرر می‌داند و بدین جهت، دامنه مصادیق آیات غرر منتخب جوادی آملی از دیگران بیشتر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده در زمینه تحلیل اصطلاحات شش‌گانه در زمینه برگزیدگی آیات و مفاهیم و سوره‌ها، نگارندگان به دستاوردهای زیر رسیده‌اند:

۱- مفاهیم و اصطلاحاتی که در این پژوهش مورد بررسی واقع شده، هم از جهت معنای لغوی غرر که به برجستگی و برگزیدگی آنها اشاره دارد، و هم از جهت اصالت و توحیدی بودن و گاه از جهت کلیدی و محوریت و همچنین در مواردی از حیث جامعیت مشترک بوده، ولی از جهاتی نیز با یکدیگر متفاوت‌اند، از جمله از نظر نوع نگاه قرآن‌پژوهان به جنبه‌های برجستگی و برگزیدگی آیات و مفاهیم و هم از جهت ملاک و مؤلفه و هم از جهت مصادیق، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. حتی اختلافاتی میان خود غرر‌پژوهان در دوره معاصر نیز مطرح است که این هم به جنبه برجستگی و

هم در مؤلفه و بیشتر از همه، در تطبیق این مؤلفه‌ها با مصادیق وجود دارد، و حتی با داشتن مؤلفه مشترک در برداشت و تطبیق و انتخاب مصادیق با یکدیگر متفاوت‌اند و آیه‌ای را که جوادی آملی غرر معرفی می‌کند، علامه، امام و صادقی و دیگر غررپژوهان غرر نمی‌دانند و برعکس.

۲- اختلاف در بیان مؤلفه‌ها و تشخیص مصادق‌های متفاوت، حتی با وجود معیار مشترک در باب غرر آیات، ما را به این امر رهنمون می‌سازد که انتخاب آیات غرر امری نسبی است و از نگاه مفسر و قرآن‌پژوهی با مفسر و غرر پژوه دیگر متفاوت است و همان طور که روش و گرایش تفسیری مفسران بر مبنای عوامل گوناگون با یکدیگر متفاوت بوده و این تفاوت منجر به اختلاف تفاسیر می‌شود، در غررپژوهی نیز، قرآن‌پژوهان در غرر دانستن برخی از آیات با یکدیگر، هم در تعیین جنبه برجستگی، و هم مؤلفه و معیار و ملاک، و هم در تشخیص و بیان مصادق آیات غرر، با یکدیگر متفاوت‌اند، که این امر نیز مانند موضوع اختلاف روش تفسیری مفسران، به عوامل متعددی، از جمله ویژگی‌های فردی و شخصیتی، وسعت علم و دانش غررپژوه، پیش‌فرض‌های او در نگاه به قرآن کریم و هدفداری قرآن، توجه به جنبه‌ها و مراتب معنایی قرآن، فهم قرآن و به‌طور کلی، روش و گرایش تفسیری و شیوه فکری غررپژوه و عوامل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر و دوران وی و عوامل بی‌شمار دیگر وابسته می‌باشد.

۳- از آنجا که ما آیات غرر را از محک‌های قرآنی می‌دانیم، همان طور که مفسران در رابطه با تعیین مؤلفه و مبنا و مصادق آیات محکم اختلاف نظر دارند، شناخت این آیات نیز مانند آیات محکم کار بسیار دشواری است.

۴- پژوهشگر با اعتقاد به بلاغت و اعجاز برای تمامی آیات قرآن، قائل به نوعی تمایز برای شماری از آیات به لحاظ ویژگی‌های بیانی و محتوایی است که آنها را از جهاتی از آیات دیگر متمایز کرده است. اما نظر نگارندگان آن است که وجود تمایز به لحاظ ویژگی‌های بیانی و محتوایی، به‌معنای برتری و افضلیت مطلق آیات غرر بر دیگر آیات قرآن کریم نمی‌باشد؛ یعنی اگر در آیه‌ای به یکی از معارف یا موضوعی توجه بیشتری شده و در آیه دیگر به موضوع و معارف دیگری پرداخته شده، معنای برتری آیه‌ای بر آیه دیگر نیست و معنای این تمایز آن است که این آیه در جای خود زیبایی و لطف دارد، و آیه دیگر هم در جای خودش زیبایی و لطف دارد، و این زیبایی در جای



خودش از آن دیگری در جای خودش کامل تر است. و در اصل آیات غرر به این معنا، نشانگر اعجاز قرآن است که آیاتش مانند اعضای یک بدن، یکدیگر را تکمیل می کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن درید، محمدبن حسن (۱۹۸۷)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. ابوحيان، محمد (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۹. ازهری، محمد (بی تا)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. اسعدی، محمد (۱۳۸۸)، «محکمات قرآن، نقش و قلمرو آنها»، نشریه معرفت، شماره ۱۴۳، ص ۱۶-۲۹.
۱۱. ایازی، سید محمدعلی؛ معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸)، تفسیر قرآن مجید، برگرفته از آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. بحرانی، ابن میثم (۱۳۶۲)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتب اعلام الاسلامیه.
۱۴. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
۱۵. بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۰ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. پورافخم، مریم؛ ایازی، سید محمدعلی (۱۳۹۳)، «ایزوتسو و دو اثر قرآنی وی»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره ۳، ص ۵-۳۲.
۱۷. پورافخم، مریم؛ و عباسی، مهرداد (۱۳۹۱)، «بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان»، پژوهش های اعتقادی کلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۱۳-۱۴۲.
۱۸. ثعلبی، احمدبن محمد (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۹. جباروند بهروز، وحیده (۱۳۹۴)، تحلیل و بررسی غرر آیات از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مراغه: دانشکده علوم قرآنی.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، تسنیم، قم: اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، سرچشمه اندیشه، به کوشش عباس رحمان محقق، قم: اسراء.

۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، حکمت عبادات، به کوشش حسین شفیعی، قم: اسراء.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، شمس الوحی تبریزی، به کوشش علیرضا روغنی موفق، قم: اسراء.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، ادب فنای مقربان، به کوشش محمد صفایی. قم: اسراء.
۲۶. حرعاملی، محمد (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۷. راد، علی (۱۳۹۴)، «مفسران معاصر امامیه و غرر قرآن؛ چیستی، رهیافتها و گونه‌ها»، پژوهش‌های قرآن حدیث، سال چهل و هشتم، شماره یکم، ص ۲۵-۴۸.
۲۸. راد، علی (۱۳۹۵)، غرر قرآن از نظریه تا تفسیر، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۹. رازی، ابوالفتح (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۳۱. ربیعی آستانه، محمد (۱۳۸۳)، «ایزوتسو و معنی‌شناسی در آیات قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷، ص ۳۲۸-۳۴۰.
۳۲. الرحمان، فضل (۱۳۹۷)، مضامین اصلی قرآن، ترجمه فاطمه علاقه‌بند، تهران: نشر کرگدن.
۳۳. رشیدرضا، محمد (۱۴۲۶ق)، المنار، به کوشش ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. رنجبر، زهره (۱۳۸۹)، تحلیل و بررسی آیات غرر از دیدگاه علامه در المیزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه الهیات و معارف اسلامی.
۳۵. سرشار، مژگان (۱۳۸۹)، «مقایسه نظرات سید محمدحسین طباطبائی و استاد محمدباقر بهبودی درباره محکم و متشابه قرآن»، بینات، سال هفدهم، شماره ۶۶، ص ۷۹-۹۳.
۳۶. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۷. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۸. شوکانی، محمدبن علی (۱۴۱۴ق)، فتح‌القدیر، بیروت: دار ابن‌اکثیر.
۳۹. صادقی، محمود (۱۳۸۸)، وحدت جوامع در نهج البلاغه، قم: اسراء.
۴۰. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: فرهنگ اسلامی.
۴۱. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۹)، ستارگان آسمان تشیع، پایگاه ایسنا.
۴۲. طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۴. طبری، محمدبن جریر (۱۴۲۰ق)، تفسیر طبری، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، مجمع‌البحرین، تهران: مرتضوی.
۴۶. طنطاوی، سید محمد (بی‌تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قم: مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع التفاسیر.
۴۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط، طهران: المكتبة المرتضویة.
۴۸. طوسی، نصیرالدین (۱۳۴۶ش)، اخلاق ناصری، تهران: چاپ ادیب‌تهرانی.

۴۹. عباسی، مهرداد (۱۳۹۵)، «رویکرد تاریخی فضل الرحمان به قرآن، بررسی توصیفی-تحلیلی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲۵، ۱۵۱-۱۸۳.
۵۰. غزالی ابوحامد (۱۴۰۶ق)، جواهر القرآن و درره، بیروت: دار احیاء العلوم.
۵۱. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۵۳. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.
۵۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (بی تا)، القاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. فیض کاشانی، ملامحسن (بی تا)، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامه.
۵۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۶۶)، احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۵۷. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۸. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۵۹. کبیری، زینب (۱۳۹۱)، مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن، قم: زینا.
۶۰. کمپانی زارع، مهدی (۱۳۹۸)، تحلیل و نقد جواهر القرآن غزالی، تهران: نگاه معاصر.
۶۱. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۹)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۲. مصباح یزدی، محمدتقی (بی تا)، معارف قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی.
۶۳. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۵. موسوی بهبهانی، سید علی (۱۳۶۸)، «نقد و بررسی نظرات مهم درباره تشابهات قرآن»، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ص ۹۳-۱۰۰.
۶۶. میبیدی، احمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عده الابوار، تهران: امیر کبیر.
۶۷. میرحسینی، محمود؛ قاسمی، محمد (۱۳۹۳)، «معرفی و نقد روش ایزوتسو در کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید»، پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۱۴۷-۱۷۴.
۶۸. میرشمسی، صدیقه (۱۳۸۲)، «بررسی محکم و متشابه»، پژوهش دینی، شماره ۴، ص ۷۱-۹۸.
۶۹. نکونام، جعفر (۱۳۸۷)، «تفسیر معناشناسانه محکم و متشابه»، پژوهش دینی، شماره ۱۶، ص ۳۹-۶۶.

